

توصیفی شاعرانه

از چند آلت موسیقی در سده نهم هجری

شمس الدین محمد کاتبی نیشابوری (متوفی ۸۳۹ هـ) از شاعران نامی وقوی دست قرن نهم هجری ایران را کتابیست منظوم بصورت مثنوی عرفانی و عاشقانه بنام سی نامه یا دلگشا.

در این کتاب بین دل داده و دل داری و یا با اصطلاح خود کاتبی میان محب و محبوبی سی نامه عاشقانه بنظم ردو بدل شده که هر یک از آنها صورتی خاص دارد و در هر کدام شرح حال و اظهار عشق و علاقه و غزل و خلاصه ای از سخن مندرجست. علاوه بر اینها در هر نامه بجزئی اشاره شده است.

اینک نگارنده را در این گفتار منظور اینست که بقسمتی از چهار نامه از سی نامه فوق که نامه های هفدهم و هیجدهم و نوزدهم و بیستم باشد توجه کرده بآنچه در آنها اشاره شده نظر شما را جلب نماید. در چهار نامه بالا شاعر بجزئی که اشاره کرده چند آلت موسیقی است که بطرزی شاعرانه و ماهرانه مورد توصیف و تشبیه و تشریح قرار یافته و عبارتند از **عود و چنگ و نی و دف و جلاجل**. و از اینها گذشته در آنها عده ای از اصطلاحات موسیقی آن دوره آمده که هم مورد نظر نگارنده می باشد بدین قرار:

در نامه هفدهم که از محب بمحبوست دل داده بدلداد پس از بیان حال برای نشان دادن چگونگی آن به عود اشاره میکند و چنین مینگارد.

گرم چون عود بنوازی چه باشد؟
بصنعی (۱) که کارم ساز گیرد
مرا همدست خود سازی چه باشد؟
برای گوشمالی یا نوازش
اگر با من پردازی چه باشد؟
بسوی من اگر دست یازی چه باشد؟ (۲)

(۱) - تصنیع: روش نیکو نمودن از خود و آراستن خود را (منتخب الفه) (۲) ممکن است چنین باشد: بسویم دست اگر یازی چه باشد.

اگر نقشی که باشد دلنوازم
اگر بنمائی ای یار خوش آواز
درون پرده آغازی چه باشد؟
بدین نالان هم آوازی چه باشد؟
ودر نامه بعد یعنی نامه هیجدهم
محبوب در پاسخ نامه بالا هم
باشد؟
اشاره میکند و جواب میدهد .

ایا چون عود مانده دست بر سر
بگو تا چونی از افغان و زاری
یقین دانم که بس خشکت درونست
ز هستی و وجود خود بریدی
بیوی آن که گردهم دلنوازت
بتابی زانکه نارم پیش خویشت
بهر آهنگ همراز تو باشم
شوم بهر نوازش دستیاارت
یکدیگر دگر همراز باشیم
مرو از پرده بیرون پرده میگوی
ودر دنباله مطالب بالاغزلی آمده
است که در آن اشاره به نی (مزمار)
شده که میگوید :

مکن چون نی دمامم آم و فریاد
اگر خواهی لبم بر لب ببینی
اگر از دل گذشتت تیر عشقم
چو عشقم پیشرو شد در طریقت
چو میدانی که گشتم دلنوازت

محب بس از دریسافت نامه هیجدهم نامه دیگری (نامه نوزدهم)
مینویسد و در آن برای تشریح و وصف حال خویش بچنگ و چگونگی آن
اشاره مینماید از اینقرار که در آن تلویحاً وصفی از چنگ آمده است :

نگارا در فراقتم همچو چنگم
رسن دارم که و بیکه بگردن
فغان کردن گرفتم روز و شب پیش
فلك با فاله ام پیوسته دارد
مرا از دست تنگ و شیر افغان
اگر یکدم شوم از ناله خاموش
ندانم چند خواهی ناله کردن
ز افغانست دایم دل بتنگم
ز مالش پوست خشکم گشته برتن
بناخن میخراشم چهره خویش
مدامم مست و گردن بسته دارد
شود روزی گسسته رشته جان
هماندم چرخ گردان مالدن گوش
درون انجمن کسج کرده گردن

فغان تا کسی کنم از ناخن غم
 درون پرده رازی می نهفتم
 اگر در خون رخی دارم منقش
 بجمد اله که گشتی کار سازم
 دردنباله این اشعار توصیفی غزلیست که در آن باز محب در شرح حال خود اشاره به دَف (دایره) نموده و در و انص و تشریحی از این آلت موسیقیست بدین شکل :

چو چنبر شد تنم از دست دوران
 چه کارست این مرا از جور دوران
 گهی بر رخ چکد اشکم جو باران
 ندیدم گرد خود جز نقش دوران
 بتن گسر ضربها دارم فراوان
 در نامه بیستم که پاسخ نامه نوزدهمست محبوب بمحب جواب میدهد و

هم اشاره به دَف و چنگ هر دو میکند بدین صورت :

آیا مانند دَف از زور دوران
 بجزاشکنجه از دوران ندیده
 پیای خود نرفته هیچ چنانی
 ز زخم سیخ هجرانم بهر جای
 گهی برسینه کوهان بوده خندان
 نگشته از وجود درهمی کم
 اگر بستند لب از ابتدایت
 نتابی گر دلی در بند داری
 زر و مال جهان بر خود گران کن
 میاوردم بدم نقشی فرایش
 و در این نامه در ضمن غزل ذیل دلدار بچنگ اشاره می نماید که گوید .

(۱) - از این شعر بخوبی پیداست که در آن دوره بجای حلقه‌هایی که امروز در گرداگرد دایره میگذارند مرسوم بود که چیزهایی گردشیه بدرهم (بول نقره) بند میکردند که بآن درهمی میگفتند .
 (۲) - جلاجل جمع جلاجل بضم در جیم و همانست که امروزه زنگوله گفته میشود .

با فغان چند باشی باز چون چنگ
 چکار آید عراقت یا صفاهان
 چه یابی ره بسوی گوشه ما
 مشو دل بسته ابریشم و سیم
 و گر از پای تو رشته بر آید
 در خانه عمده اصطلاحات موسیقی را که در این اشعار آمده در اینجا
 ذکر میکنیم از اینقرار :

عود - نواختن - دست - ساز - گوش - گوشه - نقش - درون پرده - خوش
 آواز - هم آواز - رشته - رسن - آهنگ - از پرده بیرون رفتن - در پرده
 گفتن - تصنیف - چنگ - دف - نی - مالش - دم زدن - ضرب - درهمی - عراق -
 صفاهان - مقام - ابریشم - سیم .

تهران ۱۲ تیرماه ۱۳۴۲



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 بزرگسالان